

«سبک پشت» بی سنگ

پاسخی به یادداشت «سنگ پشت» سبک سنگ: قرائت عبارتی از ترجمه تفسیر طبری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران | آریا طبیب زاده

| ۱۵۷ - ۱۶۴ |

۱۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



چکیده: در شماره پیشین آینه پژوهش (۲۱۵ و ۲۱۶)، مطلبی به قلم آقای میلاد بیگدلو (از این پس: ناقد) (بیگدلو ۱۴۰۴) منتشر شده، در نقد مطلبی از بنده در شماره ۲۱۴ مجله (طبیب زاده ۱۴۰۴). این نوشته پاسخی است به نقد ایشان.

The "Sabuk-Pusht" without Sang: A Response to the Note "Sang-Pusht-e Sabuk-Sang: Reading a Phrase from the Persian Translation of Tabari's Commentary"
Ariya Tabibzade

Abstract: In the previous issue of *Ayeneh-ye Pazhubesh* (Nos. 215 & 216), an article was published by Milad Bigdeloo (hereafter: the critic) (Bigdeloo 2025/1404 AH), critiquing my article published in issue No. 214 of the journal (Tabibzadeh 2025/1404 AH). The present text is a response to his critique.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در شماره پیشین آینه پژوهش (۲۱۵ و ۲۱۶)، مطلبی به قلم آقای میلاد بیگدلو (ازاین پس: ناقد) (بیگدلو ۱۴۰۴) منتشر شده، در نقد مطلبی از بنده در شماره ۲۱۴ مجله (طیب زاده ۱۴۰۴). این نوشته پاسخی است به نقد ایشان.

ناقد معتقد است که عبارت «سنگ پشت کردیم ایشان را» در ترجمه عبارت قرآنی «کشفنا عنهم» در نسخه شماره ۲۲۳۹۶ کتابخانه آستان قدس از ترجمه تفسیر طبری، املائی سهوی است از صورت اصلی «سبک پشت کردیم ایشان را»، و بنابراین، فرضیه بنده را نیز مبنی بر اینکه در نسخه مذکور با خطایی از سنخ «شدرستنا» و «خر عیسی» مواجهیم، ناصحیح می‌داند. از آنجا که در استدلال‌های ناقد اشکالات و ابهامات جدی‌ای هست و شواهد ارائه شده نیز ناکافی است، بنده نمی‌توانم نظر ایشان را بپذیرم. در ادامه برخی اشکالات وارد بر نظر ناقد را می‌آورم.

الف) اول از همه، بنای استدلال ناقد بر این فرض اولیه است که ضبط «سنگ پشت» در نسخه آستان قدس، که آشکارا با نقطه نون ضبط شده، صورت مصحف یا آنطور که خود او توضیح داده است، املائی سهوی از «سبک پشت» است؛ به عبارت دیگر، ناقد برای قرائت خود، ناچار به تصرف در ضبط اصلی نسخه شده است. او احتمال داده که یا نقطه نون در اصل متعلق به پ در «پشت» بوده و در جای نامناسبی گذاشته شده، یا اینکه کاتب بر اثر عجله، نقطه باء در «سبک» را بالای دندان نون گذاشته است. این استدلال بسیار فرضی و متکلفانه است^۱. چگونه می‌توان پذیرفت که به طور کاملاً تصادفی، به کاتب چنین «بلاهی دسست داده باشد» که در ترجمه زیرنویس عبارت «کشفنا» که لفظاً به لغت مشهور فارسی «کشف» (= لاک پشت) شباهت دارد، نقطه ب در «سبک پشت» را بجای زیر دندان، بالای آن بگذارد، تا صورت «سنگ پشت» حاصل شود، که از قضا مترادف مشهوری در فارسی برای همان «کشف» است؟! در واقع، خطای این چنینی کاتب در نقطه گذاری، خطای ابلهانه‌تری است تا آوردن یک غلط شدرستناوار در متن (حال یا از جانب خودش، یا بر اثر استنساخ از نسخه یا مأخذ/مأخذ دیگری)؛ خصوصاً که می‌دانیم کاتب نسخه آستان قدس جز نسخه (ها)یی از ترجمه تفسیر طبری، از مأخذ دیگری نیز حین کتابت استفاده، و از آن‌ها چیزهایی در متن نقل کرده است (یکی از این مأخذ که خود کاتب از آن نام برده، تاج التراجم است؛ ر.ک طیب زاده ۱۴۰۴).

۱. احتمال اولی که ناقد طرح کرده (یعنی تفسیر نقطه ب به نقطه پ در «پشت»)، به خاطر فاصله بسیار زیاد و زاویه دو حرف نسبت هم، تقریباً ناممکن است؛ توجه شود به تصویر:  همچنین استناد ناقد به چند غلط سهوی در نسخه آستان قدس، که در بسیاری از نسخه‌های خطی می‌توان نمونه‌هایی مشابه با آن را پیدا کرد، برای توجیه خوانش «سبک پشت» نمی‌تواند قانع‌کننده باشد.

ب) نکته مهم تر اینکه، هیچ یک از شواهدی که ناقد برای «سبک پشت»، «سبکی پشت» و امثال آن ارائه کرده، لغات و ترکیبات رایجی در متون فارسی نیست و همه متعلق به معدودی از متون ترجمه شده از عربی، حاصل گزیده برداری، و به عبارت دقیق تر، ترجمه لفظ به لفظ ترکیباتی عربی است مرکب از «خفیف و خفة و تخفیف» (همه با معانی سبک، سبکی، و سبک گرداندن) و «ظهر و حاذ» (= پشت)؛^۱ کاملاً بدیهی و منطقی است که ترجمه این ترکیبات عربی به فارسی، لغاتی مرکب از «سبک» و «پشت» شود. ناقد هیچ شواهدی از ترجمه مشتقات ریشه «ک ش ف» به «سبک پشت» یا صورت های مشابه آن ارائه نکرده است. او همچنین، با طرح این احتمال که «كَشَفَ عَنْ» و «خَفَّفَ عَنْ» مترادف باشند، این احتمال را داده که شاید ترجمه «كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ» به «سبک پشت گردانیدیم ایشان را» در نسخه آستان قدس، تحت تأثیر ترجمه عبارت قرآنی «يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ» به «سبک کنند از ایشان عذاب» در متن بوده باشد؛ اما اولاً تفاوت بسیار زیادی از حیث معنایی بین «كَشَفَ عَذَابَ» (بازداشتن عذاب، به معنی توقیف کلی آن) و «تخفیف عذاب» (سبک کردن عذاب، و نه جلوگیری از آن) هست، و تنها با توسع و تکلف می توان این دو را مترادف پنداشت، و ثانیاً ترجمه عبارت قرآنی «يُخَفِّفُ عَنْهُمْ» در نسخه های ترجمه تفسیر طبری به صورت «سبک کنند از ایشان» که صحیح ترین ترجمه ممکن برای عبارت است، نمی تواند شواهدی برای درستی قرائت «سبک پشت» در ترجمه «كَشَفْنَا عَنْهُمْ» باشد؛ زیرا از سویی، این «يُخَفِّفُ» است که به «سبک کنند» گردانده شده، نه «يَكْشِفُ»، و از سوی دیگر، عبارت ترجمه شده به فارسی «سبک کنند» است، نه «سبک پشت کنند»! در واقع، تمام شواهد ارائه شده در مطلب ناقد نامرتبط به بحث، و قضیه سالبه بانتفاء موضوع است.

ج) ناقد بدون بحث مفصل درباره شواهد، اشاره کرده که کاتب نسخه آستان قدس از معادل های مختلفی برای مشتقات ریشه «ک ش ف» استفاده کرده و این امر را دلیل بر این دانسته که «سنگ پشت

۱. ناقد از سه متن شاهد آورده است: ترجمه نهج البلاغه (قرن ششم؛ «سبکی پشت» در ترجمه عبارت عربی خفة الظهر)؛ ترجمه مقامات حریری (قرن هفتم؛ «سبک پشت» در ترجمه عبارت عربی خفیف الحاذ)، و نیز مصابیح القلوب ابوسعید شیبی (برای تعبیر «پشت خود را از بار گناه سبک گرداندن» در ترجمه عبارت «خَفَّفَ ظَهْرَكَ مِنَ الْاَوْزَارِ»). نگارنده نمی داند که آیا ناقد این شواهد شاذ را با تتبع در متون یافته یا اینکه از پیکره دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی - بدون ارجاعی به آن - گرفته است. در هر حال، در پیکره فرهنگستان، در حدود جستجوی نگارنده، دو شاهد دیگر افزون بر هر سه شاهد منقول در مطلب ناقد برای عبارت کنایی «سبک کردن پشت از بار گناه» یافت شد که یکی از آنها هم باز از متنی فارسی مترجم از عربی است: ۱. «پس توهم کن خرامیدن میان مردمان، سرافراخته و پشت از گناه سبکبار...» (ترجمه مؤیدالدین خوارزمی از احیاء علوم الدین غزالی (قرن هفتم)، ج ۴، ۹۲۷: ۲). «می کند پشت جهانی سبک از بار گناه / گرچه بر نفس شکمخواره گران می آید» (دیوان واعظ قزوینی (قرن یازدهم)، ص ۲۲۹. غیر از این ها، هیچ شاهد دیگری برای ترکیب مورد بحث در متون پدید آمده تا قرن ۱۴ ق. در پیکره فرهنگستان یافت نشد.

کردیم» نمی‌تواند یک غلط ترجمه‌ای باشد. ناقد در اینجا نکات متعددی را نادیده گرفته است. اولاً او به تفاوت ساختاری و تمایز معنایی میان مشتقات «کشف» توجهی نکرده است:

یک دسته از شواهد (شامل ۴ شاهد) در معنای «بازداشتن چیزی از چیزی» است، که غیر از «کشفنا عنهم/سنگ پشت کردیم ایشان را» در زخرف: ۵۰، سه مورد دیگر آنها جملگی به «بازداشتن از» ترجمه شده است (دو مورد با ساختار «کشف عن» در دخان: ۱۲ و ق: ۲۲، و یک مورد به صورت «کاشفوا العذاب» در دخان: ۱۵)^۱. پس یعنی در ترجمه آیات این نسخه، «بازداشتن از» معادل اصلی برای این دسته از شواهد است.

دسته دیگر شواهد، شامل دو شاهد به معنای آشکارشدن/آشکار ساختن است: «يُكشِفُ عن ساق» (= آشکارگرداندن ساق/تشمیر) در قلم: ۴۲، و «كاشفَةُ» در نجم: ۵۸. در ترجمه نسخه آستان قدس، «كاشفَةُ» واضحاً به معنای «آشکارکننده» گرفته شده و به «برهنه‌کننده‌ای» برگردانده شده است. «يُكشِفُ عن ساق» هم به «بازپوشند و کار سخت شود» برگردانده شده که «سخت شدن کار» معنایی کنایی عبارت است و «بازپوشند» هم معادلی رایج غیر از «بازداشتن از» برای «کشف/کشف عن» (در معنای ازاله و بازداشتن) در تراجم قرآنی است (یاحقی همان، ۱۲۱۹/۳، ۱۸۷۷/۵). در هر صورت، عدم استفاده از معادل اصلی شواهد دسته اول (یعنی «بازداشتن از») ممکن است با انگیزه نمایش تمایز معنایی میان شاهد اخیر با شواهد دسته اول بوده باشد. به عبارت دیگر، در نسخه آستان قدس - و همچنین بعضی نسخه‌های دیگر متن، چنانکه خواهیم دید - استفاده از معادل‌های متفاوت در ترجمه لغات مشتق از «کشف» با هدف بیان تمایز معنایی این لغات در عربی بوده، نه صرفاً به جهت ایجاد تنوع در الفاظ و به شکل دل‌خواهی! طبق الگویی که دیدیم، ترجمه «کشفنا عنهم» در آیه ۵۰ سوره زخرف باید «بازداشتیم ایشان را از» می‌شد، و بنابراین، ضبط عجیب و منفرد «سنگ پشت کردیم ایشان را» را نمی‌توان با تصحیح بی‌پشتوانه آن به «سبک پشت کردیم ایشان را»، به حساب خوش سلیقگی کاتب در انتخاب الفاظ گذاشت.

نکته دیگری نیز که ناقد به آن توجه نکرده این است که نسخه‌های هم‌تبار آستان قدس، یعنی نسخه کاخ گلستان و ایاصوفیه، دقیقاً همانند نسخه آستان قدس، «کشف عن» و «کشف» (= بازداشتن چیزی از چیزی) را معمولاً به صورت‌هایی چون «بازداشتن» (یعنی همان معادل اصلی نسخه آستان قدس)، «بازکردن»، «گشادن»، «برداشتن»، «بردن» و «بازگرداندن» ترجمه کرده‌اند (چند نمونه را ببینید در ترجمه تفسیر طبری زیر چاپ؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۴)؛ درحالی‌که همین نسخه‌ها، «کشف عن» در معنی

۱. رک ترجمه تفسیر طبری بی‌تا. الف، ۳۸، ۳۹، ۶۹.

۲. در ترجمه‌ها هم به معنای «بازدارنده» و هم به معنای «آشکارکننده» آمده است (همچنین رک یاحقی ۱۱۸۴/۳-۱۱۸۵).

«آشکارکننده» را همانند آستان قدس، با معادل‌های دیگری ترجمه کرده‌اند که یکی از این معادل‌ها (یعنی «برهنه کردن») با آستان قدس مشترک است («برهنه کردن» در نسخه کاخ گلستان در نمل: ۴۴ و قلم: ۴۲، و در نسخه ایاصوفیه در نمل: ۴۴؛ یا «پیدا کردن» در نسخه ایاصوفیه در قلم: ۴۲). بنابراین روشن می‌شود که کاتب نسخه آستان قدس عموماً از روی نسخه‌ها و مآخذی رونویسی می‌کرده، نه اینکه خود به سلیقه خود معادل‌گذاری می‌کرده است؛ مورد «سنگ پشت کردیم ایشان را» از مواردی است که در این نسخه، ضبطی کاملاً منفرد و بی‌ارتباط به نسخه‌های دیگر - و البته بی‌ارتباط به ضبط‌های خود نسخه - می‌بینیم. این ضبط منفرد احتمالاً یا ناشی از دخالت خود کاتب در ترجمه، و یا تأثیرپذیری او از مآخذ/مآخذی متفاوت نسبت به سایر نسخه‌ها بوده است (بنده احتمال دوم را قوی‌تر می‌دانم). اتفاقاً یکی از قرآنی که درستی فرضیه بنده - یعنی خطای شدرستناوار در ضبط نسخه آستان قدس - را محتمل‌تر می‌سازد، همین امر است که کاتب در بیشتر مواضع، ضبط‌هایی مشابه با نسخه‌های هم‌تبار را برای ترجمه مشتقات «ک ش ف» آورده، و در اینجا - که احتمالاً یا خود در متن تصرف کرده، یا از نسخه/مآخذ متفاوتی استفاده کرده - ضبطی عجیب و منفرد را به دست داده است. اگر کاتب عبارت «سبک پشت کردن/گرداندن» را آگاهانه در متن آورده بود، منطقاً باید در مواضع دیگری نیز آن را به کار می‌برد (حداقل سه موضع دیگر در متن هست که می‌توانست به جای «بازداشتن از»، «سبک پشت کردن از»^۱ را بیاورد).

د) نمونه‌های دیگری از خطاهای شدرستناوار - گرچه نه در حد مورد «سنگ پشت کردیم ایشان را» - در نسخه‌های قرآنی دارای ترجمه فارسی وجود دارد؛ از مهم‌ترین آنها برگرداندن لفظ عربی «ما» (در معانی مختلف) به ضمیر اول شخص جمع فارسی در ترجمه است که حتی گاهی منجر به تغییر شناسه‌های افعال بعد از آن هم می‌شود. من باب مثال، دو نمونه از این خطای ترجمه‌ای را اینجا می‌آورم: در قرآنی دارای ترجمه فارسی متعلق به قرن پنجم به شماره «مصاحف ۱۸۵» در کتابخانه ملی مصر، عبارت «وما کُتِبَ غائبین» در آیه ۷ سورة اعراف، به صورت «و ماییم ما غایبین» ترجمه شده^۲، در حالی که ترجمه صحیح آن چیزی همانند «و نیستیم غایبین» است؛

۱. باید توجه کرد که در قرائت ناقد، عبارت مورد نظر ما در ترجمه «کشفنا عنهم العذاب» یا باید «سبک پشت کردیم از ایشان عذاب» می‌بود، یا «سبک پشت کردیم ایشان را از عذاب»؛ یعنی حرف اضافه «از» باید در ترجمه ذکر می‌شد، یا مطابق قاعده ترجمه تحت‌اللفظی و بعنوان برگردان «عن» (ر.ک. عمادی حائری ۱۳۹۰؛ ترجمه تفسیر طبری زیر چاپ، مقدمه)، یا براساس شواهدی از عبارت «سبک شدن پشت از چیزی» در متون که ناقد به آنها استناد کرده، به عنوان حرف اضافه عبارت «سبک پشت گرداندن چیزی را از چیزی». باین حال، «از» در ترجمه کاتب نیامده، و این خود باز چالش دیگری برای قرائت ناقد است، البته اگر ناقد آن را نیز صرفاً سهوالقلم کاتب نسخه نداند.

۲. ر.ک. مطلب آقای دکتر مرتضی کریمی‌نیا درباره این نسخه و خطای ترجمه‌ای آن به همراه تصویر بخش مورد نظر از این نسخه، در صفحه تلگرامی شان (t.me/kariminiaa).

واضح است که در ترجمه عبارت، «ما» نافیۀ عربی با ضمیر اول شخص جمع فارسی خلط شده، گویی که عبارت ترجمه شده به فارسی، برگردان «ونحن کنا غایبین/ وکنا نحن غایبین» بوده است^۱ (یعنی جمله منفی، مثبت شده است!)

یک مثال دیگر نیز از نسخه ایاصوفیه ترجمه تفسیر طبری (بی.تا.ب، ۴۷۷پ): بگو ما انج بخواستیم از شما در ترجمه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ» (= بگوی آنچه من از شما خواستم)، که «ما» موصولی عیناً در ترجمه آمده و ضمیر اول شخص جمع فارسی در نظر گرفته شده و موجب تغییر شناسه فعل پس از خود نیز شده است^۲.

خلاصه بحث آنکه، نگارنده نمی داند که چگونه ناقد برغم تمام ابهامات و اشکالات مذکور در سطور فوق، با چنین اطمینان و قاطعیتی، خوانش خود را صحیح و خوانش نگارنده را غلط دانسته است. اگر خوانش ناقد به صورت «سبک پشت کردیم» را صحیح بدانیم (که به دلایل فوق الذکر به نظر بنده پذیرش آن متعذر است)، در بهترین حالت می توانیم پیشنهاد دهیم که شاید کاتب ضبط فرضی «سبک پشت کردیم» را در نسخه ای دیده و آن را -مثلاً به دلیل عدم نقطه گذاری کلمه در آن نسخه- نشناخته و با خلط معنای «کشف» فارسی با فعل «کشفنا»، گمان کرده که مقصود «سنگ پشت کردیم» است و همین صورت غلط را به متن آورده است (که باز مؤید فرضیه «غلط شد رستناوار» است). وگرنه این فرضیه اصلاً قابل پذیرش نیست که خود کاتب عبارت شاذی مثل «سبک پشت کردیم» را که تنها در معدودی از متون ترجمه ای، و برسبیل گزیده برداری و ترجمه لفظی از ترکیبات عربی شاهد دارد، از جانب خود برای ترجمه «کشفنا» به کار برده باشد، و باز هم خود او، آن را سهواً «سنگ پشت» نوشته باشد. هرچند تأکید می کنم که اساساً امکان وجود صورتی مثل «سبک پشت کردن» به عنوان معادل «کشفنا» عن، به دلیل نبود مستندات کافی تا این لحظه، مدعایی است نیازمند اثبات.

۱. همانطور که آقای دکتر کریمی نیا در نوشته خود اشاره کرده اند، عبارت «ماییم ما» در تراجم کهن فارسی قرآن، معادلی است برای عبارت «کنا نحن».

۲. البته می توان استعمال شناسه «سیم» را در اینجا مقایسه کرد با ویژگی گویشی خاصی که در این نسخه، به صورت پراکنده و گاه گاهی دیده می شود، و آن استعمال صورت «سیم» (-ēm) به عنوان شناسه اول شخص مفرد است (ر.ک صادقی و حاجی سید آقایی ۱۳۹۰؛ ترجمه تفسیر طبری (مجلد پنجم) زیر چاپ، مقدمه)، که در اینجا چندان محتمل به نظر نمی رسد. آمدن «ما» در ترجمه فارسی و در آن موضع خاص از جمله در جای فاعل/مسندالیه/نهاد، آن هم پیش از ترجمه صحیح موصول عربی به «آنچه»، بیشتر نشان دهنده این است که موصول عربی با ضمیر اول شخص جمع فارسی خلط شده است. برای خطاهایی شبیه به این نمونه های دیگری نیز وجود دارد (ر.ک ترجمه تفسیر طبری (مجلد ششم)، زیر چاپ).

منابع

بیگدلو، میلاد. «سنگ پشت» سبک سنگ: قرائت عبارتی از ترجمه تفسیر طبری»، آینه پژوهش، ۲۱۵ و ۲۱۶.

ترجمه تفسیر طبری، بی تا. الف. نسخه شماره ۲۲۳۹۶، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی. همان، بی تا. ب. نسخه شماره ۸۷، استانبول: کتابخانه ایاصوفیه. ترجمه تفسیر طبری (مجلد پنجم) (زیر چاپ)، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، به سرپرستی علی اشرف صادقی، تهران: موقوفات افشار. ترجمه تفسیر طبری (مجلد ششم) (زیر چاپ)، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری و آریا طبیب زاده، به سرپرستی علی اشرف صادقی، تهران: موقوفات افشار. صادقی، علی اشرف و حاجی سیدآقای، اکرم السادات (۱۳۹۰)، «بعضی شکل های ناشناخته شناسه ها در فارسی قدیم». دستور، ۷، ۳-۵۷.

طبیب زاده، آریا (۱۴۰۴). «یادداشت های لغوی و ادبی ۶». آینه پژوهش، ۲۱۴، ۳۱۷-۳۲۳. عمادی حائری، سید محمد (۱۴۰۰). قرآن فارسی کهن، چاپ سوم، تهران: میراث مکتوب. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۲). فرهنگ نامه قرآنی، مشهد: مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی.